

## چگونه خط فارسی از میان تاجیکان گم شد؟

پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه، در سال ۱۹۱۹ دولت اتحاد جماهیر شوروی مصوبه ای را به نام مبارزه برای محو بی سوادی تصویب کرد. رهبران دولت کمونیستی اعلام کردند که بدون مردم با سواد ایجاد یک جامعه کمونیستی غیر ممکن است. مورخین بر اساس ارقام موجود گفته اند که میزان باسوادی مردم در روسیه در پایان قرن نوزدهم میلادی حدود ۲۹ درصد بوده است و در میان ملیت‌های آسیای مرکزی میزان باسوادی از جمله در میان تاجیکان چهار درصد، ازبکها نزدیک دو درصد و ترکمنها تقریباً یک درصد بوده است. باسواد سازی از راه تغییر خط چیزی که در این زمان برای باسواد کردن مردم از سوی عده ای از روشنفکران انقلابی مطرح شد موضوع تغییر خط یا پذیرش خط لاتین برای باسواد کردن مردم و دور افکندن میراث زمان گذشته بود که میراث جامعه استثنای خواننده می شد. حتی تلاشهایی نیز صورت گرفت تا از الفبای لاتین برای زبان روسی استفاده شود. اما علاقه مندی برای پذیرش خط لاتین برای ملیت‌های ترک زبان آسیای مرکزی و روسیه و قفقاز که تا این زمان از الفبای عربی استفاده می کردند قوی تر بود، اگرچه افراد مخالف به قبول این خط در میان افراد باسواد این ملیت‌ها نیز کم نبوده است. پس از آمادگیهای کوتاهی، در سال ۱۹۲۹ دولت ازبکستان که تا همین سال جمهوری خود مختار تاجیکستان شامل آن بود با صدور فرمانی استفاده از خط عربی را در ادارات دولت و مکاتب ممنوع اعلام کرد. اگرچه قرار بود تبدیل رسم الخط به تدریج صورت بگیرد و سال ۱۹۳۲ به انجام برسد. تغییر خط تاجیکان در تاجیکستان نیز تلاش عملی دولت برای رسمی کردن خط لاتین در سال ۱۹۲۹ آغاز شد. اما روند قبول این خط و طرد کردن خط فارسی چه گونه بوده است. پیوند گلمرادزاده محقق تاجیک در این باره می گوید: شعاری که در آن دوره خیلی معروف بود باسواد کردن همه مردم بود. بهانه پیش آوردند، که برای با سواد کردن همه مردم الفبای فارسی مشکلات زیاد ایجاد می کند و باید برای تاجیکان در دنیای نو الفبای نو ساخته شود و این الفبای نو باید الفبای لاتینی باشد. اولین مقاله ای که در این زمینه در شماره دوم مجله رهبر دانش در سال ۱۹۲۷ چاپ شد مقاله معروف زاده با عنوان تاجیکان و الفبای نو بود. بعد از این در شماره سوم مجله رهبر دانش لایحه الفبای نو عبدالرئوف فطرت منتشر شد. ظاهراً هدف اساسی دولت کمونیستی آن دوره، باسواد کردن مردم اعلان می شد، اما محققان می گویند هدف اساسی تغییر خط از بین بردن نفوذ دین و نمایندگان دین به ویژه دین اسلام در این منطقه بوده است، زیرا کمونیستها دین را عامل استثمار طبقه های زحمتکش از سوی طبقات حاکم دارا در جامعه طبقاتی تلقی می کردند. ایرج بشیری محقق تاریخ تاجیکستان در دانشگاه مینه سوتای آمریکا می گوید یکی از اهداف دیگر، بی سواد کردن مردم بوده تا بلشویکها بتوانند نشان بدهند که مردمان بی سواد را باسواد کرده اند.

وی می گوید: یکی را می توانیم بگوئیم جنبه بی سواد کردن و دیگری را می توانیم جنبه اسلامی بگوئیم. بی سوادی در این است، که هر بار که ما الفبای یک مملکت را عوض بکنیم مردم آن مملکت را به طور کامل بی سواد می کنیم برای دوره ای که بتوانند زحمت بکشند و الفبای جدید را یاد بگیرند و این مردم را از افکار و از آن چه در نوشته هایشان دارند دور می کند. یکی از دلایل به نظر من این بوده، که می خواستند مردم مسلمان را از منبع اسلامی خودشان دور بکنند. به نظر محققین از بین بردن خط فارسی در تاجیکستان هدف های دیگر را هم پی گیری می کرده است. گلمرادزاده در این باره می افزاید: بدین وسیله علایق و پیوندهایی را، که میان مردم فارسی زبان آسیای میانه و مردم ایران و افغانستان بود، قطع می کردند. مخالف تغییر خط، دشمن انقلاب اما خط لاتین از سوی مردم چگونه مورد استقبال قرار گرفت؟ در آثار تاریخی دوره شوروی سابق که مردم فاقد آزادی بیان بودند و آثار تاریخنگاران از سوی دولت سانسور می شد، فقط از موفقیت‌های نظام شوروی سخن در میان است. تغییر خط، بخشی از انقلاب فرهنگی محسوب می شد و با مخالفین این انقلاب مبارزه می شد.

اما آیا افرادی بوده اند که به این روند در تاجیکستان مخالفت داشتند؟ در ابتدای بحث مبنی بر تغییر خط در تاجیکستان در دهه ۲۰ قرن ۲۰ در مطبوعات نظرهای مختلف وجود داشت ولی به تدریج جانبداری

دولت از تغییر خط به اندازه ای می رسد، که هر فرد مخالف تعویض خط فارسی به خط لاتین به مثابه دشمن انقلاب شناخته می شود.

کمال عینی محقق تاجیک و فرزند صدر الدین عینی بنیان گذار ادبیات شوروی تاجیک درباره مخالفت با ترس از مخالفت در رابطه با منسوخ کردن خط فارسی در تاجیکستان چنین می گوید: پدر من نقل می کردند که در یک جلسه شعاری روی دیوار نصب شده بود، که قبول خط لاتین امر انقلاب است، زنده باد انقلاب، مرگ بر دشمنان انقلاب! و سه نفر وارد جلسه شدند و از حاضرین پرسیدند چه کسی مخالف قبول خط لاتین است. همه سرهای خود را پایین انداختند و خاموش بودند. اشتیاق به خط فارسی در دلها ماند از سوی دیگر مبارزه برای از بین بردن خط فارسی و جایگزینی آن با خط لاتین، پیامدهای سنگینی برای میراث ادبی بیش از هزار ساله ادبیات فارسی در تاجیکستان و آنانی که سواد مطالعه و کتابت با این خط را داشته اند، موجب شده است. آقای گلمرادزاده می گوید: هر کتابی که با الفبای عربی انشأ شده بود، می گفتند این کتابها، کتابهای مذهبی اند و باید از بین برده شوند. تعداد زیادی از این کتابها به رودخانه ها یا به آتش افکنده شدند و مردم از ترس این که آنان را به حفظ این کتب متهم نکنند خودشان آنها را زیر خاک و یا در جایی پنهان می کردند. در آن دوره همه مردمی که با خط عربی آشنا بودند و مدرسه را ختم کرده بودند، به حیث (به عنوان) دشمنان خلق زندانی شدند و بسیاری از آنها در زندان به هلاکت رسیدند. ولی اشتیاق به آثار فرهنگی که با خط فارسی نگاشته شده بود در دل مردم باقی ماند و مردم با وجود تهدیدها از سوی مقامات وقت آثار انشأ شده با خط فارسی را حفظ می کرد. شاعر گلرخسار آن چه را خود مشاهده کرده است چنین بیان می کند: و من می دیدم که در خانواده های ما و خویش و تبار ما این کتابها را چگونه حفظ می کردند. جای از همه بی خطر این کتابها زیر سر کودکان در گاهواره بود. زیرا فکر می کردند، که زیر سر کودکان را جست وجو نمی کنند. دیگر همه جارها بازجویی می کردند از جمله گاهدان، آغل و ظروف بزرگ نگه داری آورد را.

تغییر مجدد خط از لاتین به سیریلیک اما هنوز تمامی مردم خط لاتین را یاد نگرفته بود که سال ۱۹۴۰ دولت شوروی اصلاحات جدید الفبای مردمان آسیای مرکزی را به راه انداخت و این دفعه مردم باید خط سیریلیک را می آموختند تا باسواد و همپای زمان خوانده شوند. به اندیشه کارشناسان این اقدام بار دیگر ثابت کرد، که هدف از قبول خط لاتین از بین بردن خط فارسی بوده است. بعضی از محققین به این نظرند که تحمیل خط سیریلیک روسی به ملیتهای آسیای مرکزی از طرحهای روسیه تزاری بود که در زمان دولت شوروی به تحقق رسید. اما واقعیت این است که در زمان شوروی سابق، مردم تاجیکستان سرتاسر باسواد شدند، اگرچه عده ای از کارشناسان معتقدند که زمینه رسیدن به چنین سطح باسوادی نظام جدید آموزش و پرورش با امکانات فنی جدید بوده که به جای نظام مبنی بر تدریس مذهبی پیشین روی کار آمد، نه تغییر الفبا. پروستریکا و خط فارسی در زمان رهبری میخائیل گورباچف در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ که مردم تاجیکستان تا اندازه ای توانستند فکر خود را به صورت آزاد بیان کنند مبارزه برای مقام دولتی دادن به زبان تاجیکی فارسی آغاز شد و در کنار آن احیای خط فارسی مطرح شد. ایرج بشیری استاد دانشگاه مینه سوتای آمریکا در این باره چنین می گوید: در سال ۱۹۸۹ تصمیم گرفته شد، که این الفبای نیاکان دوباره برگردانده بشود و سال ۱۹۹۵ قرار بود سالی باشد که الفبای نیاکان به طور کامل مورد استفاده قرار بگیرد و می دانیم اختلافاتی که بر سر این تغییر به وجود آمد، چه بود. دشمنی مجدد با خط فارسی آنچه را که در زمان جنگ داخلی بر سر نوشته های فارسی آمد، سیداحمد قلندر محقق تاجیک چنین تصویر می کند: گروههای افراد نقاب پوش، که اصلا خود را نمایندگان جبهه خلقی معرفی می کردند در تمام کوچه های شهر پیدا شدند. آنها افراد را مورد بازجویی قرار می دادند و اگر از نزد ایشان نوشتجات یا کتب فارسی یا عربی پیدا می کردند این افراد را توهین و ضرب و شتم می کردند. او می افزاید: این دشمنی به خط فارسی قطع نشد، بلکه ادامه یافت. بعدها با دستور مخصوص دولت تمام لوايح ادارات، که با خط فارسی نگاشته شده بود، برچیده شد. اما پس از تقریباً ۷۵ سال از بین بردن خط فارسی در تاجیکستان، امروز در جهان هزارها نشریه های مختلف و کتب زیادی به خط فارسی منتشر می شوند و صدها هزار سایت اینترنتی به خطهای فارسی و عربی فعال اند، که اکثر مطلق مردم تاجیکستان و تاجیکان آسیای میانه نمی توانند آنها را مطالعه کنند و از سوی دیگر خط سیریلیک تنها در بین فارسی زبانان تاجیکستان رایج است. در عین حال، امروز شاید قسمت اعظمی از مردم تاجیکستان زبان روسی را که وارث اساسی خط سیریلیک است نمی دانند و از اطلاعات منتشره به زبان روسی نیز محروم اند.